

دربارهٔ گفت‌وگوی چالشی سفیر آمریکا در اسرائیل با تاکر کارلسن

اعتراف بزرگ؛ اسرائیل کل منطقه را می‌خواهد



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

لابی صهیونیستی و رژیم صهیونیستی طی دهه‌ها دشمنان خود را به موضوعات اصلی در صحنه سیاست داخلی آمریکا تبدیل کردند، اما در سایه تحولات چهل سال اخیر، خود در حال تبدیل شدن به یک موضوع اصلی هستند. «تاکر کارلسون»، مجری مشهور و از محافظه‌کاران برجسته‌فعال در جنبش ماگا، اخیراً سفری به فلسطین اشغالی داشته و با «مایک هاکی»، سفیر آمریکا در تل‌آویو مصاحبه‌ای ترتیب‌داده که اقدامی در راستای بررسی «موضوع رژیم صهیونیستی» است. هاکی پس از یک مشاجره آنلاین با کارلسون درباره بدرقتاری رژیم با مسیحیان، از کارلسون خواسته بود تا به طور مستقیم با او گفت‌وگو کند. این مصاحبه از آن جهت اهمیت بالایی دارد که کارلسون از جمله حامیان ترامپ بوده و یک منتقد درون جریانی دولت او و تیشم به شمار می‌رود. در این مصاحبه سوالات و ادعاهای مناقشه‌برانگیزی مطرح می‌شود که یکی از آن‌ها، حمایت سفیر آمریکا از تصرف غرب آسیا توسط رژیم صهیونیستی است.

نگاهی به مصاحبه

مصاحبه با هاکی دارای شاخه‌های متعددی است که در هر کدام، بحث‌گروه خورده و البته ضعف‌های استدلالی برای دفاع از ادعاهای رژیم آشکار است. در ادامه این موارد مورد اشاره و بررسی قرار گرفته‌اند.

۱ ملاک یهودی بودن شریعت است یا ژن؟ پس تانائیا هو یهودی نیست!

هاکی دو تعریف ضدتوقیفی درباره یهودیت مطرح می‌کند. او در ابتدا می‌گوید یهودیت از طریق خون شکل می‌گیرد و بار دیگر، یهودی شدن از طریق گرویدن به این دین و اجرای شریعت آن را امکان‌پذیر می‌داند. پس از آنکه سخنان هاکی در این باره تمام می‌شود، کارلسون با زیرکی یهودی بودن تانائیاو طبق هر دو تعریف را زیر سوال می‌برد. او می‌گوید اجداد تانائیاو از اروپای شرقی آمده‌اند که ارتباطی با غرب آسیا ندارد و ازسوی دیگر ویر و اجدادش مذهبی نیستند. او نتیجه‌گیری می‌کند که تانائیاو با هیچ‌کدام از تعاریف هاکی از یهودیت هم‌خوان نیست و ازاین‌رو ارتباطی با سرزمین‌های اشغالی پیدا نمی‌کند.

به‌طورکلی دو دیدگاه در خصوص خلوص خون یهودیان در قضایای مرتبط با رژیم صهیونیستی وجود دارد. یک دیدگاه در درون یهودیت و نگاه جدید بیرونی که به‌تازگی تقویت شده است. در نگاه درونی، یهودی کسی است که دارای خون یهودی از سمت مادری است، اما بسیاری از کسانی که با این ادعا به فلسطین اشغالی آمده‌اند، این شرایط را ندارند. برخی افراد با ادعای وجود خون یهودی در بدن یکی از نیاکان خود موفق شده‌اند از امتیازات اقتصادی و شهروندی برای حضور در رژیم صهیونیستی استفاده کنند و دولت نیز برای افزایش جمعیت سخت‌گیری نداشته است، اما جناح‌های مذهبی این افراد را مسیحی یا بی‌دین تلقی کرده و ارتباط آن‌ها با یهودیت را رد می‌کنند. دیدگاه دوم که یک دیدگاه بیرونی است، بر ژن‌شناسی تأکید دارد که با پیشرفت فناوری، امکان‌پذیر شده است. افرادی معتقدند باید تحقیقات علمی انجام

شود تا بتوان فهمید، کدام جمعیت ساکن در سرزمین‌های اشغالی از نظر ژنی سابقه تاریخی زندگی در این منطقه را دارد. این گروه می‌گویند فلسطینی‌ها همان گروهی هستند که هزاران سال در این منطقه زندگی کرده و با ورود و یا تسلط هر قوم بر سرزمین فلسطین، زیر حکومت آن‌ها قرار گرفته، زبان و دین آن‌ها را پذیرفته‌اند و این به معنای تفاوت نژادی نیست؛ این گفته، ادعاهای رژیم صهیونیستی را باطل می‌کند که فلسطینی‌ها را به‌عمد «عرب» خطاب کرده و حضورشسان در سرزمین‌های فلسطین را حاصل وقایع پس از اسلام می‌داند. دیدگاه‌هایی که تشخیص علمی ژن را پیشنهاد می‌کنند، نظر متفاوتی دارند. طبق نگاه آن‌ها، فلسطینی‌ها از هر قومی تأثیر پذیرفته‌اند، اما اساس خون آن‌ها متعلق به این سرزمین است.

۲ دفاع از جنایات رژیم با طعنه به کشور خود

هاکی ادعا می‌کند ارتش رژیم صهیونیستی اخلاقی ترین ارتش دنیاست، زیرا تلاش‌هایی برای حفظ جان غیرنظامیان انجام‌داده که دیگر ارتش‌ها، به‌ویژه ارتش آمریکا از آن خودداری کرده‌اند. در این سخنتان، سفیر آمریکا در تل‌آویو، برای دفاع از رژیم، عملاً کشور خود را مورد طعنه و اتهام قرار می‌دهد که این مسئله واکنش کارلسون را برمی‌انگیزد. ازسوی دیگر آمار بالای کشته‌ها به هاکی اجازه چنین ادعایی را نمی‌دهد، زیرا رژیم در غزه با جمعیت ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، حدود ۷۰ هزار نفر را به شهادت رسانده است.

۳ کودکان غزه بالای ۱۴ سال بودند!

سفیر آمریکا در پاسخ به سؤال درباره کشتن کودکان توسط صهیونیست‌ها، مدعی شده که این کودکان ۱۴ساله بوده و اسلحه حمل می‌کردند. این ادعا با فیلم‌ها و تصاویر منتشر شده از هدف‌گیری نقاط تجمع مردم و آمارهای به‌دست‌آمده، انطباق ندارد. بر اساس یکی از گزارش‌های موجود که به بهار سال جاری تعلق دارد، رژیم صهیونیستی تا آن برهه، ۱۶ هزار و ۵۰۳ کودک را به شهسادت رسانده بود. در این تعداد ۹۱۶ شیرخواره (کمتر از یک سال) و ۴ هزار و ۳۶۵ کودک (یک تا ۵ساله) بودند. برخلاف آنچه هاکی گفته، دست‌کم ۵ هزار و ۲۸۱ کودک زیر ۵ سال در غزه به شهادت رسیده‌اند. او این کودکان را در نظر نگرفته و نوجوانان به شهادت رسیده را به‌دروغ، دارای سلاح عنوان کرده است.

۴ استثنای صهیونیست‌ها برای جنایت در آمریکا

«تام آرتیوم الکساندروویچ»، سرپرست بخش داده‌ها و هوش مصنوعی در اداره ملی سایبری رژیم صهیونیستی تابستان سال جاری درگیر یک پرونده مهم در آمریکا شدند. او در یک رویدت تله‌گذاری شده برای شناسایی کسانی که خروان ارتباط جنسی با کودکان هستند، دستگیر شد، اما روز بعد با تماس تلفنی تانائیاو آزاد شده و به سرزمین‌های اشغالی بازگشت. او از طریق آنلاین در جلسات دادگاهش شرکت می‌کند.

کارلسون از هاکی می‌پرسد چرا این استثنارخ داده و به دلیل دواشنگتن درخواست استردادی برای بازگرداندن الکساندروویچ نداده است. هاکی در

جواب می‌گوید وزارت دادگستری باید چنین درخواستی را بدهد و گویا این درخواست را نداشته است. اشاره به این مورد خاص از آن‌رو اهمیت دارد که جرم این مسئول صهیونیست، تلاش برای بهره‌گیری جنسی از کودکان است که یک مسئله مناقشه‌برانگیز در آمریکا و به‌ویژه برای فعالان جنبش ماگا به‌شمار می‌رود. ازسوی دیگر پرونده اسپتین روی چنین جرمی جریان دارد و افکار عمومی بر موضوعات مشابه حساسیت بیشتری می‌یابد. آنچه سؤال کارلسون را هوشمندانه جلوه می‌دهد، ارتباط هر دو به رژیم صهیونیستی است، زیرا اسپتین ارتباطات غیرقابل انکاری با تل‌آویو داشته است. او حتی به روابط هاکی با «اسحاق هرتزگ» رئیس رژیم صهیونیستی اشاره کرده و می‌گوید نام‌وی نیز جزء لیست کسانی که از جزیره اسپتین بازدید کرده‌اند، آمده است.

۵ چرا با پولارد دیدار کردی؟

کارلسون، هاکی را بر سر دیداری که با «جاناتان پولارد» جاسوس قدیمی صهیونیست‌داشته،شماتت می‌کند. کارلسون در مقاطع مختلف مصاحبه به اقدامات پولارا اشاره دارد. به گفته کارلسون، پولارد اسنادی را از آمریکا دزدید که در آن‌ها نقشه‌های دفاعی این کشور در برابر شوروی وجود داشت و سپس تل‌آویو این نقشه‌ها را در اختیار روس‌ها قرار داد؛ توضیحی که حکایت از خیانت‌های تاریخی تل‌آویو به واشنگتن دارد. کارلسون در ادامه می‌گوید، پولارد در جریان یک مصاحه پس از آزادی و انتقالش به سرزمین‌های اشغالی، به یهودیان توصیه کرده بود اگر در آمریکا دسترسی‌هایی دارند، حتماً بر خلاف منافع واشنگتن، آن را در اختیار تل‌آویو قرار دهند که این توصیه نشان می‌دهد او از فعالیت پیشین خود پشیمان نشده است. کارلسون همچنین تأکید می‌کند پولارد پس از دیدار با هاکی، ترامپ را دیوانه توصیف کرده بود.

۶ رژیم صهیونیستی حق دارد کل خاورمیانه را بگیرد

هاکی در مصاحبه می‌گوید خداوند در کتاب پیدایش، حق حکومت بر تمام سرزمین‌های خاورمیانه را به یهودیان داده است. سفیر آمریکا البته به این مسئله اشاره دارد که در این سرزمین‌ها کشورهای دیگری وجوددارند و احتمالاً مقامات رژیم نخواهند این کشورها را تصرف کنند، اما وی به سیاق بخش‌های دیگر مناظره که سخنان ضدتوقیفی دارد، تصرف منطقه را حق صهیونیست‌ها عنوان می‌کند. او می‌گوید: «پس اگر تمام آن را بگیرند، مشکلی نیست.» این اعترافی به نیت اصلی آمریکا در خصوص صهیونیست‌هاست. به عبارتی دیگر نه‌تنها رژیم که حامیانش نیز در پی تسلط بر غرب آسیا هستند. تا پیش ازاین تصور می‌شد احتمالاً رژیم صهیونیستی بالاخره مرزهای کنونی خود را پذیرفته و تنها در همان فلسطین درصدالحاق کرانه باختری است، اما تخریب غزه و تلاش برای آواره ساختن ساکنانش، حمله به جنوب سوریه و اشغال مناطقی از جنوب لبنان نشان داد طی سال‌های اخیر رژیم با لاجبار در داخل مرزهایش حبس بوده و حالا فرصت تحرک یافته است.

چنین اظهارنظری نشان‌دهنده وجود یک تردید جهانی است؛ زیرا پس از تهاجمات رژیم صهیونیستی به منطقه و به طور خاص، موشک‌باران دوحه، پایتخت قطر، بسیاری دریافته‌اند که تل‌آویو تا مسلهه مستقیم بر

منطقه آرام نمی‌گیرد، پس از واقعه دوحه بود که دولت‌های منطقه تغییراتی در سیاست‌های خود ایجاد کردند و عربستان سعودی قراردادی دفاعی با پاکستان به امضا رساند.

۷ عراق را به خاطر اسرائیل اشغال کردیم؟

مجری مشهور آمریکایی اشغال عراق را گامی در راستای اهداف رژیم صهیونیستی می‌داند و می‌گوید از تانائیا هو برای فریب واشنگتن دلخور نیست، زیرا او همانند هر رئیس دولتی منافع خود را می‌جوید، اما پوش و هم‌فکرانش که چنین خدمتی به رژیم صهیونیستی برخلاف منافع آمریکا انجام‌داد رانمی‌بخشد. در مقابل، هاکی تلاش دارد اشغال کشورهای منطقه را با عملیات ۱۱ سپتامبر توجیه کند، اما کارلسون می‌گوید برخی از این ادعاها نادرست بودند. او تأکید می‌کند اثبات شده اطلاعاتی که درباره سلاح‌های کشتار جمعی عراق از سوی تل‌آویو به واشنگتن داده شد، دروغ بوده‌اند.

۸ دروغ هاکی درباره مسیحیان سرزمین‌های اشغالی

هاکی در قسمتی از مصاحبه ادعا می‌کند در قطر حتی یک مسیحی نیز حضور ندارد که این مسئله با واکنش کارلسون مواجه شده و او می‌گوید تعداد مسیحیان حاضر در این کشور از مسیحیان مستقر در سرزمین‌های اشغالی بیشتر است. هاکی که فهمیده گفته‌هایش تا چه میزان از واقعیت دور بوده، در توجیه ادامه می‌دهد که آن‌ها اصالت فطری نداشته و از جامعه این کشور منزوی هستند. بااین حال حساسیت بر موقعیت مسیحیان در فلسطین اشغالی به دلیل حمایت‌های قاطع دولت‌های مسیحی از تل‌آویو افزایش یافته است؛ چه اینکه در خلال اعتراض به جنایات در غزه، شهروندان کشورهای غربی بر خوردهای سرکوبگرانه دولت‌هایشان را مشاهده کردند که برای دفاع از تل‌آویو صورت می‌گرفت.

نکات

۱ «جنایت در غزه» و «تلاش برای وارد کردن آمریکا به جنگ در غرب آسیا» دو عامل مهم حساسیت آمریکایی‌ها به رژیم صهیونیستی و حزب جمهوری خواه هستند.

۲ حزب جمهوری خواه در حمایت از رژیم صهیونیستی به وضعیت بدی رسیده و از نظر حیثیتی در معرض به‌نقد کشیده شدن است. تا پیش ازاین، جریانات محافظه کار، حزب دموکرات را که در کاخ سفید قدرت داشت، به دلیل کم‌توجهی به رژیم صهیونیستی در معرض انتقاد قرار می‌دادندو حالا خود به دلیل حمایت زیاد از آن، در معرض انتقاد هستند.

۳ جنبش ماگانسبت به ترجیح منافع رژیم صهیونیستی بر آمریکا حساسیت یافته است و استدلال‌هایی از وقایع قدیمی و کنونی دارد.

۴ به نظر می‌رسد پرونده اسپتین، درنهایت زیان‌های قابل توجهی برای نوع ارتباط رژیم صهیونیستی با آمریکا داشته باشد؛ به‌ویژه آنکه اخباری به رسانه‌ها راه یافته که حکایت از دستگیری ۱۸۷ افسر موساد در آمریکا طی دوره‌های گذشته و همچنین تسلط موساد بر رفت‌وآمدهای منزل اسپتین دارد.

فرهیختگان

حالا «واقعی بودن آدم فضایی و شنباق پرنده» تنها موضوعی است که سیاست‌مداران آمریکا بر آن اجماع دارند. تعرفه‌هایی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته (شنبه، ۲ اسفند ۱۴۰۴) بر تجارت جهانی اعمال کرد، در واقع ابزاری برای مدیریت وضعیت آتروپی و شلوغی ایالات متحده است. ترامپ سعی می‌کند با ایجاد یک بحران خارجی اذهان را از بحران‌های داخلی منحرف کند؛ اما واقعیت این است که ابعاد این وضعیت و بالاخره آشکار شده و می‌شود.

تنش‌های شدید خیابانی تحت عنوان «No King» و تظاهرات گسترده ضد سیاست‌های مهاجرتی، از کف خیابان‌های آمریکا به کنگره رفته و دردرسرای برای ترامپ ایجاد کرده است. دموکرات‌های سنا با متهم کردن دولت به سوءاستفاده از قدرت، تصویب بودجه وزارت امنیت داخلی را به اصلاحات ساختاری در پلیس فدرال منوط کردند. این لیبجاری سیاسی، دولت را در ۳۱ ژانویه به مرز تعطیلی کشاند و ترامپ را مجبور کرد برای جلوگیری از سقوط رشد اقتصادی، به یک آتش‌بس دوهفته‌ای با چاک شومر، از رهبران طیف دموکرات رضایت دهد. بااین‌حال خطر تعطیلی همچنان پیش پای دولت فدرال است.

علاوه بر این، فشار پرونده اسپتین نیز بر دوش دولتمردان آمریکا به‌ویژه ترامپ سنگینی می‌کند و برای او مهم است که این فشارها را از طریق دفع کند. در میان این هیاهو بازی جدیدی برای انحراف افکار عمومی طراحی شد. ترامپ با استفاده از اظهارات عجیب باراک او یاما در باره واقعی بودن اشیای پرنده ناشناس (یوفو)، دستور خارج کردن این اسناد از حالت طبقه‌بندی را صادر کرد.

دادگاه عالی علیه ترامپ

برخی بر این باورند که دونالد ترامپ در کاخ سفید به‌عنوان یک قدرت مطلق عمل می‌کند که هر زمان اراده کند می‌تواند نظم جهانی را به بازی بگیرد، اما مرور ماجرای اخیر تعرفه‌های ۱۰ درصدی نشان می‌دهد که این اقدام بیش از آنکه یک حرکت تهاجمی از موضع قدرت باشد، یک پلن B برای فرار از بن‌بست‌های حقوقی است که سیستم قضایی آمریکا پیش پای او گذاشته و البته فرار از شیخ «اسپتین».

ترامپ در حالی فرمان اعمال تعرفه جهانی ۱۰ درصدی بر تمامی کالاها را از دفتر بیضی امضا کرد که پیش از آن، یکی از سنگین‌ترین شکست‌های حقوقی خود را از دیوان عالی کشور دریافت کرده بود. دیوان عالی آمریکا که با اکثریتی محافظه‌کار و با حضور قضاتی که خود ترامپ منصوب کرده بود اداره می‌شود، در حکمی قاطع اعلام کرد رئیس‌جمهور حق ندارد با سوءاستفاده از «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی»، وظایف قانونی کنگره در وضع مالیات و عوارض را غصب کند. این حکم بر ۳، سدی محکم در برابر میل سیبری‌ناپذیر ترامپ برای حکمرانی از طریق فرمان‌های اجرائی بود. خشم ترامپ از این تصمیم به حدی بود که قضات خود را به بزدلی و تأثیرپذیری از «منافع خارجی» متهم کرد. او که انتظار داشت پاران‌منصوبش در دیوان عالی، مسیر را برای یک‌هزای‌های اقتصادی‌اش هموار کنند، ناگهان خود را در محاصره قانونی دید. بنابراین، استناد جدید او به «قانون تجارت سال ۱۹۷۴» برای اعمال تعرفه‌های جدید یک عقب‌نشینی تاکتیکی به قانونی بود که محدودیت‌های شدیدی دارد؛ از جمله سقف ۱۵ درصدی و محدودیت

اثرات جهانی

بازگشت تعرفه‌های جهانی ترامپ، موجی از واکنش‌ها را در پی داشته که مسرور آن‌ها از تغییر نگاه جهان آمریکا حکایت دارد. برخلاف دوره اول که شوک تعرفه‌ها جهان را فلج کرده بود، این بار واکنش‌ها آمیخته‌ای از تمسخر، آمادگی و رفتارهای متقابل است.

امانوتل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به‌جای ابراز نگرانی صرف، به حکم دیوان عالی آمریکا اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از «حاکمیت قانون» و «توازن قوا» در یک دموکراسی دانست. این سخن مکرون، کتابه‌ای مستقیم به ترامپ بود؛ پیامی مبنی بر اینکه ما می‌دانیم تو در کشورت با چه محدودیت‌هایی روبه‌رویی و قدرت مطلق نیست. فرانسه و اتحادیه اروپا اعلام کرده‌اند به‌جای تسلیم، خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهند و بر اساس اصل «رفتار متقابل» عمل خواهند کرد. ادعایی که به نظر می‌رسد نقطه آغاز دوران عدم ترس از ترامپ برای اروپایی‌ها باشد و جهان یاد گرفته است که با نوسانات سیاست داخلی آمریکا بازی کند. در آسیا نیز واکنش‌ها متفاوت بود. ژاپن اعلام کرد با احتیاط در حال بررسی است تا پاسخی «مناسب» ارائه دهد، درحالی‌که تایوان نگران صادرات حیاتی نیمه‌رساناهای خود است. اما جالب‌ترین واکنش متعلق به هنگ‌کنگ بود. مقامات این شهر، تعرفه‌های ترامپ را یک «شکست فاش» برای واشنگتن و فرصتی طلایی برای خود قلمداد کردند. از نظر آن‌ها، بی‌ثباتی در سیاست‌های تجاری آمریکا، سسر مایه‌گذاران را به سمت محیط‌های باثبات‌تری سوق می‌دهد که می‌تواند جایگزینی برای بن‌بست‌های تجاری ایالات متحده باشد.

در این میان، برخورد ترامپ با ویتنام، در نوع خود معنادار بود. او درحالی‌که از یک سئو تعرفه جهانی اعمال می‌کند، ازسوی دیگر با رهبر ویتنام دیدار کرده و قراردادهای ۳۰ میلیارد دلاری امضا می‌کند تا این کشور را از محدودیت‌های فناوری معاف کند. موضوعی که نشان می‌دهد تعرفه جهانی برای ترامپ، فقط یک «چماق» در مذاکرات است، تا به‌وسيله آن بتواند امتیازاتی که می‌خواهد را از کشورها بگیرد و منافعش را بیش ببرد. او در واقع از این آشنفنگی استفاده می‌کند تا توافقات دوجانبه‌ای را رقم بزند که در کوتاه‌مدت، تصویری از پیروزی تجاری برای هوادارانش ایجاد کند، غافل از اینکه این رفتار پارادوکسی، اعتبار بلندمدت آمریکا را در زنجیره تأمین جهانی نابود می‌کند.

انزواطلبی آمریکا، جهان را چینی کرد

نخستین پیامدهای این جنگ تعرفه‌ای در آمارهای رسمی خود را نشان داد. بر اساس این داده‌ها، واردات از چین با کاهش ۲۰ درصدی به حدود ۲۵ میلیارد دلار رسید که کمترین میزان از سال ۲۰۰۹ تاکنون است. در مقابل، صادرات آمریکا به چین نیز افت شدید ۲۹ درصدی را تجربه کرد. ازسوی دیگر گزارش منتشر شده از یک تحلیل تطبیقی نشان‌دهنده تغییر قابل توجه در ائتلاف‌های بین‌المللی طی بازه زمانی ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵ است. در این گزارش، با استناد به سوابق رأی‌گیری کشورها در سازمان ملل، سیاست‌های انزواطلبان ترامپ، به عاملی تعیین‌کننده در تغییر موازنه قدرت جهانی تبدیل شده و بسیاری از دولت‌ها مواضع خود را از واشنگتن به سمت پکن تغییر داده‌اند.

فرهیختگان

سیاسی

یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴

شماره ۴۶۳۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE